

مهدی ایرانی کرمانی نویسنده و پژوهشگر مطرح کرد:

# تاریخ کرمان تقریباً هیچ لکه سیاهی ندارد



**گروه فرهنگ‌و هنر:** مهندس مهدی ایرانی کرمانی، نویسنده و پژوهشگر کرمانی در مراسم رونمایی از سه جلد کتاب «رواق زبرجد» و کتاب «کرمان در نگارخانه تاریخ» با بیان این‌که گردآوری کتاب رواق زبرجد را کار بزرگی در تاریخ اجتماعی سرزمین‌مان ارزیابی می‌کنم، گفت: «بر این باورم که شخصیت‌هایی که در این کتاب معرفی شده‌اند حماسه‌سازان یک‌صد سال اخیر کرمان هستند و نیز بر این باورم که این کتاب مصداق‌نامه‌ای است از خصوصیات و خصیصه‌های کرمانیان». وی عصر پنج‌شنبه سیزدهم مهرماه در جمع فعالان اقتصادی، فرهنگی، هنری و علمی کرمان در تالار فرهنگ و هنر با بیان این‌که به شهادت دیگران، کرمانی‌ها مردمانی نیکو‌خصل، دارای طینت خوش، با پشتکار و تجسم زنده بهترین‌های فرهنگ ایران هستند، تأکید کرد: «تقریباً هیچ لکه سیاهی در تاریخ چند صدساله کرمان وجود ندارد». متن کامل این سخنرانی را در ادامه بخوانید.

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب تاریخ‌نگار و روحانی ایرانی آغاز می‌کنم: «من وقتی در باب گذشته ایران تأمل می‌کنم از این‌که ایرانی‌ها دنیا را به نام دین یا به نام آزادی به آتش و خون نکشیده‌اند، از این‌که مردم سرزمین‌های فتح شده را قتل عام نکرده‌اند، و دشمنان خود را گروه گروه به اسارت نبرده‌اند، از این‌که در روزگار قدیم یونانی‌های مطرود را پناه داده‌اند، ارمنیان را داخل خانه خویش پذیرفته‌اند، یهودیان و پیغمبرانشان را از اسارت بابل نجات داده‌اند، از این‌که در قرن‌های گذشته جنگ‌های صلیبی بر ضد دنیا به راه نیانداخته‌اند و محکمه تفتیش عقاید درست نکرده‌اند، از اینکه جنگ گلاب‌پاتورها و بازی‌های خونین با گاو خشمگین را وسیله تفریح نموده‌اند، از این‌که سرخپوست‌ها را ریشه‌کن نکرده‌اند، از این‌که برای آزار مخالفان ماشین‌های شیطانی شکنجه اختراع نکرده‌اند، و اگر بعضی عقوبت‌های هولناک در بین مجازات‌های عهد ساسانیان بوده است همواره به چشم یک پدیده اهریمنی نگریسته‌اند و از

دکتر نعمت‌الله فاضلی استاد دانشگاه مطرح کرد:  
**رواق زبرجد روایت خلایق انسان ایرانی و کرمانی است**



«کار آقای جلال‌پور و ملک‌قاسمی معنا بخشیدن، روایت کردن و جان بخشیدن به حیات جمعی و فرهنگی ماست و تخیل جمعی ما را قوی می‌کنند. در رواق زبرجد ساختن این تخیل جمعی نه فقط برای کرمانی‌ها بلکه برای ایرانی‌هاست».

استاد انسان‌شناسی دانشگاه یادآور شد: «خیلی‌ها این‌طور فکر می‌کنند که آدمی فقط با تکنولوژی یا زور و خشونت می‌تواند زندگی کند یا فکر می‌کنند آدمی فقط محتاج پول است اما نمی‌دانند که این پول و این تکنولوژی، با زور، خشونت و ستمگری که اعمال می‌شود، اگر به قصه انسانی قابل تبدیل نباشد انسانی و اخلاقی نخواهد بود، برای همین کسانی که نمی‌توانند قصه بگویند سرنوشت تلخی دارند».

وی با بیان این‌که زیبایی، انسانیت و معنویت را قصه‌گوها می‌آورند نه تنگ‌بند دوش‌ها و ستمگران، گفت: «رواق زبرجد قصه‌هایی بسیار ساده از آدم‌هایی است که در این ۱۰۰ سال کوشیدند، ساختند، رنج کشیدند، اختراع کردند، کشاورزی کردند، کارخانه و مدرسه ساختند و تفنگ افتخار آن‌ها نبود زیرا در تاریخ کرمان خشونت و ستمگری نمی‌بینید». فاضلی با اشاره به شرایط کنونی کرمان، یادآور شد: «در حال حاضر ۸۵ درصد مردم کرمان تحصیلات دارند و کرمان یک شهر دانشگاهی شده است. این استان به ناهای تاریخی خود افتخار می‌کند و ۹ اثر از آثار میراث فرهنگی جهان متعلق به کرمان است و چندین هزار بنای تاریخی که افتخار ایران زمین هستند در این استان قرار دارد».

وی خاطر نشان کرد: «رواق رواق زبرجد برای من به‌عنوان یک هموطن شما همین حس غرور را می‌آورد که ما هنوز می‌توانیم در کنار هم ایران را با همه رنج‌هایی که به آن تحمیل کردند بسازیم همان‌طور که در صد سال گذشته کرمانی‌ها با وجود سختی‌ها، مشکلات و بیماری‌های فراوان توانستند این روایت‌ها را خلق کنند».

فاضلی در پایان با بیان این‌که کتاب و رسانه ستون فقرات مردم کرمان است، تأکید کرد: «از این قصه‌ها حمایت کنید، کتاب را بخرید و هدیه بدهید، بگذارید تا خوانا و نویسا بمانیم. نگذارید کتاب‌فروشان و ناشران ورشکست شوند و با بیان این‌که تا تکنولوژی و فضایها به قصه تبدیل نشوند انسانی و زیبا نیستند چون معنا ندارند، افزود:

**گروه فرهنگ‌و هنر:** دکتر نعمت‌الله فاضلی استاد انسان‌شناسی دانشگاه و پژوهشگر در مراسم رونمایی از سه جلد کتاب «رواق زبرجد» و کتاب «کرمان در نگارخانه تاریخ» گفت: «رواق زبرجد برای من زیباست برای این‌که عاملیت و خلایق ایرانی را در ساخته شدن اقتصاد، آموزش، پزشکی، سلامت، خانواده، آداب و رسوم، ادبیات، شعر و هنر این سرزمین روایت می‌کند».

وی عصر پنج‌شنبه سیزدهم مهرماه در جمع فعالان اقتصادی، فرهنگی، هنری و علمی در تالار فرهنگ و هنر کرمان بیان کرد: «فخر کرمان، مکتب قصه‌گویی کرمان است و کرمان را باید با مکتب قصه‌گویی آن و با باستانی‌پاریزی، هوشنگ مرادی‌کرمانی، محمود روح‌الامینی و دیگرانی بشناسیم که با قصه‌های خود و مکتب قصه‌گویی به ایران جان بخشیدند و کار آقای جلال‌پور و ملک‌قاسمی از این حیث مهم است که در امتداد مکتب قصه‌گویی کرمان است».

فاضلی ادامه داد: «رواق زبرجد روایت خلایق انسان ایرانی و کرمانی در ساختن جامعه‌ای انسانی و اخلاقی است و افتخار می‌کند که توانسته جامعه خود را با پشتکار، خلایق، هوش و استعداد و با حس افتخار ایرانی بودن و یک انسان متمدد در دنیای متجدد صد ساله اخیر، مدرنیته کرمانی و ایران را بسازد و امروز ما بر میراث صد سال انسان‌هایی تکیه زده‌ایم که در کرمان با قلم، زبان، اخلاق، ادب، شهامت، سخت‌کوشی و تحمل رنج، ایران و کرمان مدرن را ساختند».

به گزارش استقامت، استاد پیشکسوت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه افزود: «فرهنگ جان جامعه است. انسان‌هایی که توان مالی، جسمی و جان‌شان را در خدمت جان جامعه قرار می‌دهند، قصه آدم‌هایی که اقتصاد، سیاست، هنر، علم، صنعت، کشاورزی و زندگی، جامعه را می‌سازند را روایت می‌کنند در واقع آن‌ها را به جان جامعه تبدیل می‌کنند».

وی ادامه داد: «آنچه ما آدم‌ها را در بین اشیا نجات می‌دهد راویان هستند، کسانی که مانند آقای جلال‌پور و ملک‌قاسمی سراغ آدم‌های جامعه می‌روند و داستان زندگی آن‌ها را روایت کرده و به کتاب و فیلم تبدیل می‌کنند و از طریق انتقال داستان آن‌ها، این امکان را به ما می‌دهند که زنده باشیم و داستان آن‌ها را برای یکدیگر تعریف کنیم». فاضلی خاطر نشان کرد: «داستان هر کسی که قدمی موثر حتی کوچک برای ساختن جامعه برداشته، سرمایه زندگی و نشاط ماست».

وی با بیان این‌که تا تکنولوژی و فضایها به قصه تبدیل نشوند انسانی و زیبا نیستند چون معنا ندارند، افزود:

در دهه بیست در سفری تابستانه به دیدار خویشان کرمانی‌اش آمد و با اهالی کرمان نشست و برخاست داشت. بعدها در پاسخ به این‌که کدام یک از شهرهای جهان را زیباتر یافته‌اید و چه چیز آن شهر، شما را فریفته فرمود: «دیگران همه در پی زیبایی‌های مادی می‌روند، اما من خواستار زیبایی معنوی‌ام و با آن‌که در شرق و غرب، شمال و جنوب گردیده‌ام و بسیار هم گردیده‌ام و صدها شهر بزرگ و کوچک را دیده‌ام، شهر کرمان را زیباتر و فریبنده‌تر یافته‌ام. آنچه در شهر مرا فریفت، آسمان بسیار روشن و هوای بسیار سازگار و بالاتر از همه مردم راست‌گرای بلندنظر، آزادمنش و فرشته خوی آنجا بود. یگانه شهر ایران است که از آنجا فتنه و آشوبی برای جهانیان و ایرانیان برخاست».

چهارم: یک کرمانی که کفران نعمت کرد و کرمان را محیطی تنگ پنداشت خواجوی کرمانی بود که خشمگینانه فرمود: خرم آن روز که از خطه کرمان بروم / دل و جان داده ز دست از بی جانان بروم

چیدمان حوادث و رخدادها او را به غربت بغداد پرتاب کرد و از سردلتنگی و سوگمندانه فرمود: خوشا باد عنبر نسیم سحر / که بر خاک کرمانش باشد گذر

خوشا حال آن مرغ داستان‌سرای / که دارد بر آن شاخ و آن بوم جای سرانجام هم غریبانه در تنگ الهاکبر شیراز درگذشت و به خاک سپرده شد.

پنجم و آخرین: استاد باستانی‌پاریزی که در انصاف، بی‌طرفی و فضیلت‌های اخلاقی‌اش تردیدی وجود ندارد می‌فرماید: «مردم کرمان به صبر و حوصله، بردباری و قناعت، پشتکار و پرکاری و کم‌توقعی کم‌آزاری و صحت و امانت معروف‌اند... کمتر دیده شده که جایی تعدی کنند یا پا را از حد خود فرانهند».

خب؛ حال که جایگاه بلند فرهنگ و تاریخ و مدنیت ایران را به روایت دیگران نقل کردم، حال که خصیصه‌های کرمانی را برشمردم، باید عرض کنم که این کار چند دلیل دارد: نخست آن‌که با گهواره ملی و بومی شخصیت‌هایی که در کتاب رواق زبرجد معرفی شده‌اند اعم از کنشگران اقتصادی، اصحاب فرهنگ و هنر و اساتید دانشگاهی بیشتر آشنا بشویم و بینیم پس‌زمینه تاریخی این حماسه‌سازان یکصد سال اخیر کرمان چه بوده و در چگونه فضای فرهنگی / اجتماعی پرورش یافته‌اند و بالیده‌اند و به جز تاریخ و جغرافیا وارث و خالق چه دست‌آوردهایی بوده‌اند.

چنین جایگاهی دارد.» خاطر نشان می‌کنم که مراد پروفسور اساطوریان از «روم» کل اروپاست که وارث فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان است. آنچه عرض شد درباره ایران و ایرانیان بود. ما کرمانی‌ها چگونه مردمی هستیم، ویژگی‌ها و خصیصه‌های ما چیست و کدامند؟

اجازه دهید گزیده‌ای از ارزیابی‌ها و اظهارنظرهای دیگران را تقدیم کنم. نخست: استاد حبیب یغمایی روزنامه‌نگار و ایران‌شناس برجسته، زاده خور و بیابانک مدتی در کرمان به شغل شریف آموزگاری و انسان‌سازی مشغول بود و در همین جاذدواج کرد و سال‌ها بعد سرود:

«مرا با شهر کرمان آشنایی است / که این پیوستگی امری خدایی است در این شهر از شکوه شهریاران / هزاران طرفه بینی یادگاران ز آثار هنرمندان هنرهاست / به هر سونگری صاحب‌نظرهاست فقیهان، عالمان، پاکیزه دینان / ادیبان، عارفان، باریک‌بینان همه صافی‌درون نیکو خصال‌اند / همه خوش‌طینت و صاحب‌کمال‌اند نهاد مردمانش پاک باشد / تو گویی این اثر زین خاک باشد

بین خوی و نهاد و مهر ایشان / بخوان درس ادب از چهر ایشان دوم: به جز ادوارد براون معروف که در باره کودکان کار در قالیبافخانه‌های کرمان مطالبی نوشته است، نویسنده و پژوهشگری انگلیسی به نام آنتونی وین، دانش‌آموخته اسکفورد که مدت‌ها در جای جای ایران از جمله کرمان زیسته، در یکی از کتاب‌هایش که به همت دکتر یدالله آقا عباسی و خانم زهرا آقاباسی به فارسی ترجمه شده می‌نویسد: «کرمان دلپذیرترین شهر ایران است. این شهر بر جنوبی‌ترین لبه فلات ایران واقع شده، ۶۰۰۰ پا از سطح دریا بلندی دارد و از سه طرف در احاطه کوهستان‌هاست. مردم این شهر از ملایم‌ترین و بی‌تکلف‌ترین مردم ایران هستند». نویسنده پس از توصیف کوتاهی از رفتار و کردار اقلیت شیخی می‌افزاید: آرامگاه شاه نعمت‌آولی در ماهان، حدود ۳۰ مایلی شهر کرمان و پای کوهستان و بهشت آرامش است. نعمت‌اللهی‌ها مردمانی تحصیل‌کرده، روشن‌بین، آزاداندیش و بیزار از هر نوع تعصبی هستند. نویسنده باور دارد که کرمانی‌ها تجسم زنده بهترین‌های فرهنگ ایرانی هستند.

مردم آزادمنش و فرشته‌خوی کرمان سوم: استاد سعید نفیسی کرمانی تبار است و همه عمرش را در تهران و اروپا و جاهای دیگر زندگی کرده.

## دمای رفاه ۱۸ الی ۲۱ درجه سانتی گراد

### حفظ گاز، حفظ سرمایه ملی

۱۸°C
۱۹°C
۲۰°C
۲۱°C
۲۲°C
۲۳°C
۲۴°C
۲۵°C
۲۶°C
۲۷°C